

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دیبر اقا شیخ یحیی کاشانی
خبر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۳ اکتبر ماه جلالی ۸۲۹ و ۲ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

هیئت وزراء یکی است

چنانچه سابقا مرقوم داشتیم بهترین ترتیبات برای اداره کردن امور مملکت آنستکه هیئت وزراء درباری از بین وکلاء مجلس شوری انتخاب شوند و مجلس ضامن صحت عمل آنها باشد و آنها نیز در محضر مجلسیان مسئول و مجلسیان نیز در صحت عمل وزراء نزد ملت مسئول باشند ولی تا کتون این ترتیب در مملکت مامعول نگردیده و تشکیل هیئت کابینه فعلا یا شخص شخص پادشاه است آن نیز دوصورت دارد یکی آنکه پادشاه یک نفر صدراعظم و رئیس هیئت کابینه انتخاب کرده تعیین وزراء هشت گانه را بکفایت او واگذار میکند دوم آنکه همه را شخصا خود تعیین کرده یک نفر را رئیس هیئت قرار میدهد در هر صورت باید این کابینه مجلس معرفی شده وکلاء رسماً آنها را قبول کرده اطمینان خود را نسبت بانها اظهار دارند وزراء نیز باید قسم یاد کنند که برخلاف کنستی نوسیبون رفتار ننمایند و مجلس هم در آن صورت که وزراء را قبول کرد مسئول صحت عمل آنها میشود و وزراء نیز باید هر يك ضامن صحت عمل دیگران گشته یعنی هیئت وزراء بمنزله شخص واحد محسوب میشود

حال یکی ازین هیئت مرتکب خلاف کردید با اطمینان وکلاء از او سلب شد ملاحظه کنیم آن شخص بتنهائی معزول میشود یا هیئت کابینه باید تغییر پیدا بکند و ثانیاً هیئت جدید برقرار نمود مایه گوئیم باید هیئت کابینه تغییر بنماید زیرا که در وقت معرفی چنانکه این هیئت بمنزله شخص واحد فرض شده و یکدفعه بمجلس آمده و معرفی شده اند و هرگز صحیح نیست وزراء یکی یکی بمجلس بیایند و هر کدام

مسئولیت کار خود را بشخصه بر ذمه بگیرند پس در مقام عزل نیز صحیح نیست باینکه از این هیئت طرف بشوند بلکه اگر یک نفر از آنها بمیل خود استعفاء نمود یا مبتلا بمرضی شد یا از دنیا رحلت کرد انوقت لازم نیست جمیع وزراء استعفی شوند زیرا که اطمینان از آنها سلب نشده و سکت بشرفشان وارد نیامده است چنانکه در چند سال قبل در مسئله مراکش و مداخله المان مسیود لکاسه وزیر امور خارجه فرانسه طالب استعفاء شد و در دفعه دوم ورقه استعفایش قبول گردید و مسیور وویه رئیس وزراء شغل او را خود مقبل گردید ولی اگر از طرف مجلس مبعوثان و هیئت وکلاء اظهاری نسبت یکی از وزراء شد مجموع مجبور بکناره جوئی هستند اگرچه ثانیاً هم باز انتخاب شوند و غالباً علت تغییر کابینه در ممالک مشروطه و صاحب کنستی نوسیبون همین امر است و ما ناامروز نشنیده ایم وکلاء يك ملت يك نفر از وزراء را عزل نمایند در حالیکه هیئت بر حال خود باقی باشد یا باید مردد یا زن خنثی دیگر معنی ندارد اگر سلطنت مشروطه است باید بترتیب مشروطه رفتار کرد اگر مستقله است (خدا نکند) پس اختیار عزل و نصب تنها با خود سلطان است

این مسئله را هم وکلاء معظّم مانفت باید باشند که برای عزل يك وزیر لازم نیست هزار تقصیر و خیانت بشمارند همین قدر کافی است بگویند ما اطمینان نداریم ولی وقتیکه گفتند فلان وزیر خائن است انوقت مجبورند او را بمحکمه جلب کرده گناهش را ثابت نموده مجازات دهند اما برای عزلهای معمولی همین قدر باید گفت اطمینان ما از هیئت وزراء یا يك وزیر سلب شده است این مقدار برای تغییر هیئت کافی است

در مسئله در ایفوس با آنکه راجع بوزارت جنگ بود و اگر تقصیری وارد میاید برده سپه سالار بود معذک چندین مرتبه کابینه برهم خورد بلکه رئیس جمهور نیز مجبور باستعفاء شد — فی الحقیقه کار وزارتخانهها همه یکی است اگر يك مشکلی راوی بدهد فوراً باید وزراء مجلس منعقد کرده در حل اشکال سعی کنند وزیر مالیه نباید بگوید این فقره راجع بوزارت داخله است بمن ربطی ندارد و همچنین سادی اگر واقع شد ریش همه گیر است دیگران وضع سابق ایران نیست که بگردن یکدیگر بیاندازند — خلاصه کلام آنکه این هیئت بمنزله يك چرخ است که هشت دندانه داشته باشد و تمام در حرکت چرخ سدخلیت دارند اگر عیبی در گردش رخ نمود بهمه بره بخورد و اگر در یکی از دندانه خالی زوی داد اسباب تعویق کار همه میشود

حالا خواهید فرمود فائده این ترتیب چیست؟ فائده زیاد دارد یکی آنکه وزراء در صدد کار شکنی برای همدیگر نیستند و اسباب چینی نمیکنند که همدیگر را عزل کنند بلکه در حفظ و نگهداری و اصلاح کار یکدیگر سعی و کوشش میکنند اگر فی العمل تمام و کلاء يك مقصود واحد نداشته باشند چه طور کار از آنها پیش میرود هر کدام بفکر کار خود میافند و رفیق را تنها میگذارند اما وقتیکه مقصد و مقصود متحد شد و سکنه که وارد شود بهم ورود خواهد کرد آیا چاره جز الفت و اتحاد و با هم کار کردن دارند، علت آنکه وزراء سابق همه با هم در معنی و عناد داشتند چه بود؟ واضح است همان جدائی از یکدیگر در کار بود اما وقتیکه رشته شان بهم بسته است لابد از حفظ هم اند خوب مستر چه برلین وزیر مستعمرات انگلیس در امر ترانسوال اشتباه میکند چه دلیل دارد او رد سالیز بوری استعفاء کند؟ بجهت آنکه ممالک یکی است و حافظ او يك هیئت مخصوص است نه یک نفر بخصوص - فائده دیگر آنکه هیچ کدام از وزراء بغافل انتخاب نمیشوند و اگر یکی از آنها آدم درستی یا با کفایتی نیست سایرین از ترس خود زیر بار انتخاب او نمیروند و از او ضمانت صحت عمل نمیکنند اما هیئته بنامش عنوان هر کدام در دست خود باشد و ربطی بسایرین نداشته باشد زید انوقت چه کار دارد که عمر و لایق است یا نیست میکوید هر کسی کار خودش بار خودش بمن چه که دشمن برای خود درست بکنم و بگویم فلان لایق این شغل نیست من و او را که بهم بسته اند لکن وقتی دید بهم بسته اند و اگر او خراب کاری کرد اینهم بمنتج رسوا میشود از اول تهیه کار میکند و برافت آدم ناقابل راضی نمیشود و سعی میکند رفیقش از خودش عالمتر باشد که اگر صهی کرد بیدارش کند نه کسیکه فردا اسباب آبرو

ریزش بشود

شاید بفرمائید چه جهت دارد تو اینقدر سنگ اینکار را بر سینه میزلی و اینهمه قال و قیل میکنی بتوجه وزراء همه استعفاء بدهند یا یکی تنها عزل شود؟ اگر درست میخواهید بشمید برك غیرتم خورده و دلم بدر آمده است نه برای عزل یا نصب فلان وزیر بلکه بواسطه آنکه خاك بر سر من و همه ملت باد که مجلس مقدس شورای ملی ما حکمی بکند و در آن حکم رای بگیرد و عمل اجراء نشود دیگر چه برای ما میماند همه باید حاك سیاه بر سر کنیم و اینروز را اول ماتم بدائیم مجلس مقدس با غلبت آراء بلکه تقریباً باتفاق آراء حکم کرد باید نایب السلطنه از وزارت جنگ منفصل شود و اینک چند روز است گذشته و اثری ظاهر نیست و اما اگر درست ملتفت باشی بیک غصه خیالی بزرگی است این فقره برای ما چگونه ایرانی راضی میشود بشنود مجلس عزل فلان وزیر را خواست و قبول نشد اگر فتح الباب اینکار بشود دیگر باید عرای مشروطیت را گرفت و آب یا کمی بدست ریخت —

خوب علت پیش نرفتن اینکار چه بود؟ همانکه مسئله را شخصی و خصوصی کردند و از ترتیب شماره جستند اگر روز اول میگفتند ما اطعمینان هیئت وزراء حایه نداریم هیچ کس نمیتوانست حرفی بزند و مجال اعتراض برای احدی نبود اما همیشه خلافی تریب کردند مدعی هزار جور حرف بزند و مطالب را مشتبه میکنند و میتوانند نسبت غرض یا تحریک بدهد حالا ببینید چه سخنان میگویند و چه اعتراضات میکنند فرنگیها پشت و روی هر کار را سنجیده اند و صلاح را چنین یافته اند ذره که از ترتیب تخطی شد اینطور میشود — دیدید حال چه کار میشود کرد یا باید اصرار و ابرام کرد اوقت اسباب دست مفسدین میافتد و خاطر پادشاه جوان را مشوب میکنند و ذهن صافی شاه يك نیت را برهم میزنند یا باید سکوت کرد انهم شرف و وقار مجلس محترم را از بین میبرد و زبان طاعنین دراز میشود تا امروز کسی گمان نمیکرد حکم مجلس را میشود اطاعت نکرد لکن وقوع این قضیه ناگوار باعث خیلی خیالات کردید —

دوروز قبل از آنکه این واقعه در مجلس واقع شود ما نوشتیم اینکار زود است چند روزی صبر کنید ایفوس که عرایض خالصانه ما قبول خاطرها نمیشود امروز دیگر کار از کار گذشته و تیر از دست رها شده راه چاره منحصر است بلکه صاحب اطعمینان خود را از هیئت کابینه اظهار کنند و طرفیت شخصیه را از میان بردارند مگر مسئله عمومی شود و کار بروفق دلخواه کردد و ما علینا الا البلاغ

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(روز یکشنبه ۱۸ شهر جمادی الاولی)

تذکره ای از زنجان قرائت شد که تمام این اغتشاشات را قفلر الدوله وسید سلطانی از طهران محرک شدند که سید میخواهد خود را وکیل قرار دهد ولی کلیه اهالی زنجان در وکالت او بهیچ وجه حاضر نیستند و غیر از جناب آقا میرزا ابراهیم وکیل دیگر مقبل دیوانست که می آید اگر این اغتشاش و اسناد جلو گیری نشود ناچار ما اهالی زنجان باید حرکت کنیم بعد مذاکره در این شد که کسی که اعتبار نامه او درست نیست و بقانون نظامنامه مستحب نشده است چرا باید اودر مجلس بیاید گفته شد که هنوز کسی تصدیق وکالت او را نکرده قرار شد که بسید مومی ایه اعلام شود که هنوز وکالت شما رسمیت پیدا نکرده تا اعتبار نامه شما بر طبق نظامنامه معلوم شود

مذاکره در خصوص انطباعات و روزنامهجات شد باینکه در صورت نبودن قانون و مجازات هر کس هر چه میخواهد در ضرر دین و دولت و مات و عتک شرفی و تهمت باشخاص می نویسد خوبست در این صورت اولاً مجازات هر چیز را در این باب معین کنند بعد این آزادی را تجویز نکنند مذاکرات زیاد در این باب شد گفته شد که وزارت علوم مسئول نوشتن قانون هستند و در باب تهمت و افترا و اسناد باشخاص حق مجلس نیست وقت خود را تصنیع کند آن اشخاص باید در صدد برآیند و محاکمه شود اما اگر چیزی بالنسبه بدین مذهب نوشته شود بر همه مسلمین واجب و لازم است که رفع و دفع کنند

مذاکره در خصوص بانک ملی که محل دولت همراه شد باینکه این بانک تشکیل شود در این صورت بر عهده و کلاء ولایات است که همراهی کنند و مردم را ترغیب و تحریص بسوی این امر خیر که موجب سعادت ملک و مملکت است بنمایند تا اینکه این بانک تشکیل شود بعضی اظهار داشتند که اول اطمینان لازم است تا مردم بتوانند پول بدهند باین ناامنی جانی و مالی کسی پول نمیدهد جمعی اظهار داشتند که این ناامنیها برکشت میکند بنبودن قشون و سرباز و نبودن آنها بواسطه نداشتن پولست پس اول لازمست که پول مهیا بشود و تشکیل بشود تا اینکه امنیت حاصل شود و امروزه بر مملکت واجب و لازم است که تشکیل این بانک را بنمایند و اطمینان هم فعلاً موجود است بواسطه اینکه عایدات دولتی تمام وارد بانک میشود و خود شخص اعلیحضرت همیونی هم هفتصد و پنجاه هزار تومان میدهد و شرکت می نمایند دیگر چه اطمینانی بهتر از این است عریضه از رحیم خان چلبیو قرائت شد که

بجبهه الاسلام آقای آسید محمد عرض کرده بودند که اگر من مقصرم تحقیق کرده مرا مجازات بدهند و اگر مقصر بیستم این طور در محکمه عدلیه بجه قانون من محبوبم مذاکرات زیاد شده گفته شد که باید زنجیر از گردنش گرفت و تحقیق کرد آنچه قصیری که از او سرزده مجازات شود (مجلس ختم شد)

(مکتوب)

از آنجائیکه فریضه ذمه هر یک از ملت خواهان و وطن دوستان است که از هر جا و هر کس شبهه مشاهده نمایند یا خلاقی ملاحظه کنند رفع آن را بواسطه آئینه عیب نمای ملی بهرض اولیای امور برسانند بلکه از ملاحظه صدق عرض وطن خواهان که جز صرف خیر ملت و دولت غرضی ندارند و غیر از آنکه میخوهند بجلو گیری از خائنین بر از دیاد کسر مالیه افزوده نگردد مرضی ندارند شاید رفع مسایاتی که معمول دوره مستقله بوده در سلطنت مشروطه بشود اینست که زحمت عرض میدهند سابقاً در دفتر معمول بود که دستخط یا حکمی را با شتاب یا غیر اشتباه با محل یا بالا محل تحصیل و صادر کرده بدفتر میاورند وزارت مالیه و دفتر یا وزارت جنگ و لشکر نیز مینوشت بدلیل دستخط همیون یا حکم مطاع را فلان مستوفی یا لشکر نویسن بمقام اجری بگذارند مستوفی یا لشکر نویسن مخاطب نیز اگر صدور احکامات بوجه صحیح و بطور صحت بود رسوم معمولی دفتری را گرفته حکمش راه جبری میکرد ولی چنانچه صدور دستخط و حکم مبارک بالقاء شبهه بود نم المطاوب و راه تقاب و وصول دخل باز و بگذر اجری حکم خلاقی در دفتر دولتی محل است سخت گیری و پیچیدگی کرده تا مبلغی معتنا به که اصل مقصود و نتیجه تضرر بود گرفته و اجری حکم خاطر را میکرد در صورتیکه وقتی هم محل ایراد میشد بجواب بمن چه حکم صدارت و فرمان دولت است رئیس من هم امضاء فرموده تهر از حکم جز عزل از کار و خلع از منصب چیزی نخواهد بود در دفتر نیز همین عذر پذیرفته و مسوع و رواج ایراد میشد عجالتاً ما را کار بزمان سابق و تقلبات ایام گذشته و دولت مستقله نیست میسکوئیم مضی ماضی هر کس هر چه کرد و هر که هر چه برد و خورد اجرش با منتقم حقیقی و ما را عرضی نیست ولی عرض میکنم در این دوره که سلطنت مشروطه و آزادی مشروع همه مراحلست شده چرا دست از تقاب لثوئیم و چرا رفتار سابقه را ترک و کنار نگذاریم خیانت بدولت و ملت خرابی مملکت و می نظمی دستگاه سلطنت را برای جاب پایده شخصی رواج دهیم سایر طبقات مردم را هم داخل این صحبت نکرده بعضی ارباب قلم کشوری و لشکر را مخاطب

عریضه را در نامه مقدسه درج فرمایند شاید وزارت
مالیه ملاحظه فرموده ملاحظاتی که لازم است بدفتر لشکر
اخطار فرمایند (امضا عبدالقدیم)

﴿ تلگرافی مخصوص اداره از اتزلی ﴾

جبل المتین مطالبه ده تومان تعارف از ارفع السلطنه
خلافی فقط قبض سال چهاردهم را خدمت او فرستادم
مطالبه وجه روانه یارسال امسال جبل المتین و چهره نما
یازده تومان نمودم چنانچه به پدرش هم نوشتم
(ابوزر)

(تلکرافات خارجه)

انجمن اتحادیه ملت روس که حامی دولت و
اعلیحضرت امپراطوری اند عریضه مبنی بر تشکر از انفصال
دوما باعلیحضرت معظم تقدیم نموده اند در جواب امپراطور
پس از اظهار تشکر چنین دستخط فرموده امید وارم که
این انجمن اتحادیه پشیمان محکم و حامی منفق ما بوده
و از حیث دولتخواهی و رعایت نظم سر مشق افراد رعایای
ما بوده باشد

از لندن ۱۹ ژوئن کمانسو صدر اعظم فرانسه در
مجلس وکلاء اعلان نموده که موقع و وقت آن است که قوت
و قدرت قانون را در جنوب فرانسه کوش زده اهالی بنماییم
باینملاحظه احکامات صادر شده که رؤسای شورش
و اغتشاش را توقیف نمایند یکی از اعضاء مؤید اقدامات
حکومت چنین اظهار داشت که وضع نواحی جنوب بی
اندازه سخت گردیده بنحوی که از سنه ۱۸۷۰ که جنگ
فرانسه و آلمان بود تا کنون در فرانسه انقلاب و اغتشاش
باین درجه دیده نشده است طرنها پراز قشون و استعداد بقا
مفوشه میروند در شهر ناریون اجماع مردم از خانهها
برون ریخته و در محله مشغول سنکری بندی از برای مدافعه
قشون دولتی گردیدند ولی حاکم محل که استعفا داده
واز رؤسای این هیجان است آنها را مانع شده و چنین
نصیحت نمود که بجهت احصون مقصود از خونریزی
و اتلاف نفوس منصرف گردید. و خود را بحق و عدالت
و اگذار و تسلیم مینمایم

مسیو جانجکسن بسوت وزیر مختاری دولت امریکا
در ایران منتخب و منصور گردید

(اعلان)

(کتاب حقوق ووظایف ملت) که به عبارتی ساده
مختصری از حقوق فرد فرد ملت ووظایف نسبت بیکدیگر
بیان مینماید تره از طبع خارج شده در کتابخانه شرافت
و تمدن جلدی یکرهال بفروش میرسد

حسن الحسینی الکاشانی

کرده جسورانه عرض میکنم شما که انجمنها کرده و
بکلام الله مجید قسم خورده اید که جلوگیری از احکامات
غلط و اشتباهی کرده ضرر ملت و دوات و خیانت شخصی
سلطنت را که جیره خور و خائزاد او هستید متروک
دارید که عهد و میثاق شما کجا شد مسلمانی و عصیت
شما جبهه اینکه ده روز نشده سوکند بقران را فراموش
فرمودید چیست چرا جلوگیری از احکامات غلط نمیشود چرا
مانع از اجرای دستخط اشتباهی نمیشود خواهید گفت
مدیر جبل المتین از نویسنده مکتوب بیرسد مستند شما
در این لاطایلات چیست و این موهومات را از چه ماخذ
مینویسد علیالمجاهله برای استضعاف خاطر عاظر عالی و
برای اسکات مدعی و جواب حضرات دو فقره خیانت
ذیل را عرض و باالی را برای آتیه و خائنین را بمنتهنم
حقیقی میساریم مثلا وکیل لشکر چهارصد تومان حقوق زید
مرحومی را باسم دیگری مینویسد سند میخواهند میگوید
سه سال قبل بموجب حکم امیر بهادر در حق ورثه مرحمت
شده حکم امیر کجاست نزد صاحبش چرا این دوسه ساله
در ریاست امیر بهادر مجری نشد نظرم نیست نمیدانم
شاید فراموش کرده اید حالا چه طور و بچه عقد

بخرج نوشته اید بموجب سواد حکم که ترد خود من
و کتابچه که از بابت حقوق اهالی کشیک خانه که بازگی
بصحه همیونی موشح شده و حاضر است دفتر اظهارات
ایشان را تردید مشارالیه نیز زمزمه تعارف محرمانه
بطرف مفتش صحبت برات میداد چون بنده عابر بودم
ندانستم بعد از رفتن من چه شد دیگر اینست که برات
حقوق فوج سیلاخور را از دفتر لشکر بدفتر استیفا
آوردند مواجب و جیره یا نصف نفر سر باز سیلاخور
مامور مقیم طهران را که نصف فوج مز بوراست هزار
نفری که عده تمام فوج است بر آورد و قلمداد کرد
برات صادر نموده اند مستند عذب دفتر حاصل برات
دستخط همیونی بود که وزارت لشکر نیز امضا کرد
و بدفتر استیفا فرستاده بودند وزارت مالیه نیز مطابق
معمول امضای مسئولیت وزیر لشکر و حکم کذمتن برات
را از دفتر دادند ولی بعضی از مستوفیان ایراد کردند
که این برات بطل و اشتباه صادر شده و باید
لصف این مبلغ و مقدار برات صادر شود دیگران گفتند
مسئول وزارت لشکر و دفتر لشکر هستند اگر از طرف
مجلس ایرادی بشود جواب بدهد وزیر لشکر است والله
قلب هر متعصب و مسلمانی از این حرکات ناشایسته از
حرکت باز مینماید بنده را نیز دیگر حوصله ارائه سایر
خیانات نیست تا آتیه انشاءاله اگر حالی بود بمرض
میرساند خواهش میکند اگر مصلحت بدانند این